

بررسی حمایت حقوقی از زنان قربانی آثار تغییرات اقلیم، با مطالعه اسناد منطقه‌ای آفریقا

نسرين مصفا*

سعیده مختارزاده**

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۲/۰۱ - تاریخ تأیید: ۹۵/۰۲/۱۵

چکیده

تأثیرات تغییرات اقلیم در دهه‌های گذشته بسیار بزرگ بوده و توجه به این پدیده موجب انجام اقدامات معمول بین‌المللی از قبیل برگزاری کنفرانس، تشکیل نهادها و تنظیم اسناد گردیده است. در این بین، کشورهای کمتر توسعه‌یافته از امکانات کمتری برای مقابله با این تغییرات برخوردار و در نتیجه آسیب پذیرترند. منطقه آفریقا با توجه به شرایط اقلیمی خاص خود بیشترین آسیب را متحمل شده و هم‌اکنون بالاترین جمعیت پناهندگان ناشی از خشکسالی، سیل و دیگر تغییرات اقلیم، را دارا است. اگرچه در این قاره حرکتی فزاینده برای حمایت حقوقی از آسیب دیدگان تغییرات اقلیم به ویژه زنان به وجود آمده و در معاهدات منطقه‌ای نمود یافته است، اما ناهماهنگی میان کشورها و عدم پذیرش مسئولیت از سوی کشورهای توسعه‌یافته به عنوان اصلی‌ترین عاملان پدید آمدن تغییرات اقلیم چالش‌های جدی را پیش روی حمایت‌های حقوقی از جمعیت بزرگ آوارگان و پناهندگان ناشی از این تغییرات، بالخصوص زنان و کودکان، قرار داده است. از آنجا که حمایت مؤثر از مهاجران و آوارگان زیست محیطی نیازمند دغدغه و مسئولیت مشترک میان دولت‌هاست، استناد به اصل «مسئولیت مشترک اما متفاوت» یکی از مهم‌ترین تکیه‌گاه‌های حقوقی در جهت تقسیم مسئولیت بار ناشی از جا به جایی این افراد به شمار می‌رود.

واژگان کلیدی: پناهندگی؛ تغییرات اقلیم؛ حقوق زنان؛ آوارگی؛ حقوق بین‌الملل.

* دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران «نویسنده مسئول» Email: nmosaffa@ut.ac.ir

** دانش آموخته کارشناسی‌ارشد حقوق بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال

Email: s.mokhtarzade@gmail.com

مقدمه

امروزه تغییرات اقلیم و آثار ناشی از آن بر حیات بشری می‌باید به عنوان اهم دغدغه‌ها و علائق مشترک جهانی از منظرهای گوناگون مورد توجه قرار گیرد. علائم این تغییرات را می‌توان از خلال اخبار روزانه و آثار آن را از طریق گزارش‌ها و هشدار مراکز علمی و تخصصی بین‌المللی به آسانی مطلع شد. تغییرات دما، به ویژه گرم شدن مستمر کره زمین، وقوع طوفان‌های متعدد، جاری شدن سیل، خشکسالی، جابجایی لایه‌های زمین، همراه با پدیده‌های همیشگی رو به فزونی مانند زلزله و آتش‌فشان‌ها در همه نقاط جهان رخ می‌دهند و همه کشورها را در شمال و جنوب در می‌نوردند.

در این میان کشورهای جنوب به دلیل عدم برخورداری از امکانات مناسب و محدودیت‌های خود، آسیب بیشتری می‌بینند. شمار بیشتر مردمی که در مدت زمانی کوتاه، شاهد فروریختن خانه و کاشانه خود هستند و یا دسترنج یک عمر و اشیاء یادگار زندگی خود را در خروش سیلاب‌ها از دست می‌دهند، هر روز رو به افزایش است. آن‌ها در شرایط جدیدی قرار می‌گیرند که اکثراً به اجبار محل زندگی خود را ترک می‌کنند. پدیده مهاجران، پناهندگان و آوارگان زیست محیطی امروزه واژگان آشنای ادبیات محیط زیست و تغییرات اقلیم است. در این میان زنان به دلیل جنسیتشان، بر اساس شواهد در دست، سهم بیشتری از درد و رنج را به دوش می‌کشند. آمارهای تکان‌دهنده‌ای از آسیب‌های وارده به زنان و دختران در شرایط جابجایی اجباری وجود دارد که لزوم توجه، بررسی و حمایت ویژه را از آنان طلب می‌کند. این موضوع زمانی حادث می‌گردد که با وجود آنکه این پدیده جهانی است، ولی دگربار به دلیل امکانات محدودتر، مناطق کمتر توسعه‌یافته، آثار بیشتری را تحمل می‌کنند و در شرایطی که این تغییرات با دیگر مشکلات موجود این جوامع، به ویژه مخاصمات مسلحانه درهم آمیزد، مصیبتی عظیم پدیدار می‌گردد و بسیاری از مردم در خطر، به سوی مکان‌های امن‌تر برای زندگی و یافتن غذا حرکت می‌کنند.

بر اساس گزارش IPCC (Intergovernmental Panel of Climate Change) آثار اجتماعی تغییرات اقلیم براساس عواملی مانند سن، وضعیت اقتصادی و اجتماعی، اشتغال و جنسیت تغییر خواهد کرد و مردم فقیر بیشترین و بدترین آثار را تحمل خواهند کرد. زنان ۷۰٪

جمعیت فقیر دنیا را تشکیل می‌دهند، بنابراین در هر بحرانی نیز بیشتر آسیب می‌بینند. با عنایت به آنکه در عرصه بین‌المللی آوای حمایت از افراد آسیب‌پذیر حداقل به صورت تدوین و تصویب اسناد بلند است، سؤال اصلی این نوشتار پیرامون حمایت حقوقی از زنان به عنوان بزرگ‌ترین بخش قربانیان آثار تغییرات اقلیم است. باید توجه داشت که به دلیل آسیب مضاعف از جمله تحمل انواع خشونت‌ها، تبیین و بررسی چگونگی حمایت مهم جلوه‌گر می‌شود. به عنوان نمونه، وقایع ناشی از تغییرات اقلیم چند ساله اخیر مانند سونامی سال ۲۰۰۶، همگی بر زنان آثار دهشتناک داشته‌اند و اجساد زنانی که فرزندان خود را در آغوش داشتند، پس از فروکش سونامی یادگار ساحل کشورهای آسیب‌دیده بوده و در دیگر بلایا نیز چهره‌های پریشان، مضطرب و مغموم زنان که در گریز مانند همیشه در فکر همراهی با خانواده و حفظ متعلقات کاشانه هستند، بخشی از مستندات موجود است. تأکید اصلی در این مقاله بر زنان آفریقایی خواهد بود و از مهم‌ترین دلایل آن به موارد زیر اشاره می‌گردد:

۱. بر اساس گزارشات معتبر بین‌المللی در حالی که سهم آفریقا در بدتر شدن تغییرات اقلیم حداقل است، لیکن این قاره آسیب‌پذیرترین بخش در سراسر دنیاست و احتمال از دست دادن زندگی در آن پانصد برابر بیشتر از مردم کشورهای توسعه یافته خواهد بود.

۲. آفریقا به دلیل فقر گسترده، فاقد امکانات لازم برای مواجهه با آثار ناشی از تغییرات اقلیم است. به ویژه آنکه این قاره شاهد درگیری‌ها و مخاصمات مسلحانه داخلی در سطح وسیعی است و پیچش هر دو مورد، آسیب‌پذیری بیشتری را برای زنان موجب شده است.

۳. به علت شمار زیاد افراد در خطر و آوارگان در آفریقا، در سال ۲۰۰۹، کنوانسیون کامپالا با عنوان «کنوانسیون اتحادیه آفریقا برای حمایت و کمک به افراد آواره داخلی و اشخاص آواره در آفریقا» تصویب شد. این کنوانسیون به تغییرات اقلیم به عنوان یکی از دلایل مهم آوارگی اشاره دارد.

شایان ذکر است در سال ۲۰۰۳ نیز پروتکل زنان الحاقی به منشور حقوق بشر و مردم آفریقا در موزامبیک به تصویب رسید که در سال ۲۰۰۵ لازم‌الاجرا گردیده است. هر دو سند دارای زمینه‌های حمایتی می‌باشند که در فقدان حمایت حقوق بین‌الملل پناهندگان برای حمایت از پناهندگان، آوارگان و مهاجران زیست محیطی آفریقا می‌توانند مورد توجه قرار

گیرند. تعدد تصویب اسناد آفریقایی با ویژگی حمایت از زنان و حمایت از آوارگان و مهاجران تغییرات اقلیم، نشان از درک اهمیت این موضوع میان دول این قاره است. اما همواره این اصل اساسی وجود دارد که برای حمایت واقعی، اسناد کافی نیستند، بلکه باید اراده سیاسی برای همکاری‌های بین‌المللی و تقسیم بار ناشی از این جابجایی‌ها و اجرای این اسناد وجود داشته باشد.

در این پژوهش پس از بررسی اصطلاح پناهنده و مهاجران تغییرات اقلیم، شرایط و آثار تغییرات اقلیم بر امنیت انسانی و منطقه‌ای آفریقا بررسی می‌گردد. بررسی شرایط و آسیب‌های ناشی از تغییرات اقلیم بر زنان آفریقایی در کنار اسناد بین‌المللی و اسناد منطقه‌ای در جهت تبیین چارچوب حمایت‌های حقوقی از این افراد، برای پاسخ به پرسش اصلی این پژوهش نیز صورت می‌گیرد.

۱- مفهوم پناهنده، آواره، مهاجر اقلیم

اصطلاح پناهندگان زیست محیطی نخستین بار در سال ۱۹۸۵ در عنوان گزارشی از برنامه عمران محیط زیست سازمان ملل متحد (UNEP (United Nations Environment Programme) به کار گرفته شد. (UNHCR, 1951) از آن زمان تاکنون گزارش‌ها و اسناد زیادی به کسانی که به دلایل زیست محیطی هم درون و هر ورای مرزهای بین‌المللی، حرکت می‌کنند اشاره می‌کنند و در سال‌های اخیر تعداد آن‌ها به دلیل تغییرات اقلیم فزونی یافته و مخاطرات پیش روی آن‌ها نیز بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. امروزه تغییرات اقلیم مهم‌ترین عامل جابجایی اجباری شناخته شده و در حقیقت تفاوت سنتی میان پناهنده و مهاجر و آواره را از بین برده است. در عین حال تا به امروز هیچ تعریف بین‌المللی پذیرفته شده‌ای برای افرادی که به دلایل زیست محیطی جابجا می‌شوند ارائه نشده است. به طور سنتی عنوان پناهندگان مردمی که از کشور خود بنا به علل جنگ و یا تعقیب و از ترس جان خود فرار می‌کنند، اطلاق می‌شود. (کیهانلو، ۱۳۹۰: ۳) در حالی که مهاجران به عنوان مردمی که به سوی سرزمین دیگر در جستجوی زندگی بهتری حرکت می‌کنند در نظر گرفته می‌شوند.^۱ حال این تفاوت به لحاظ تلفیق عواملی مانند تغییرات اقلیم، عدم امنیت غذایی، فقر، تعارض و تبعیض،

1. IOM.int, 2014.

به یکدیگر نزدیک شده و باعث گردیده است که مردم در جستجوی زندگی بهتر اجباراً فرار کنند، و در این میان تغییرات اقلیم نقش مؤثرتری دارد.

در ادبیات این حوزه، اصطلاحات پناهندگان زیست محیطی، آوارگان زیست محیطی و مهاجران تغییرات اقلیم وجود دارد که گاه به راحتی قابل تفکیک نیستند. کارگزاران مرتبط بین‌المللی به ویژه کمیساریای عالی پناهندگان ملل متحد نیز در عین دغدغه فزونی جمعیت این افراد، اما به علت فقدان تعریف مشخص حقوقی تمایلی به حمایت از آنان تحت نظام حقوق بین‌الملل پناهندگان ندارند، به گونه‌ای که به نظر می‌رسد میلیون‌ها انسان که به سبب تغییرات آب و هوایی مجبور به جابجایی شده‌اند از نظر حقوق بین‌الملل و حقوق بشر برای دریافت حمایت‌های بین‌المللی پنهان مانده‌اند. از طرف دیگر اسناد حقوق بین‌الملل محیط زیست برخلاف اسناد حقوق بشری و حقوق پناهندگان که فرد محور هستند، از ویژگی دولت محور بودن و تمرکز بر روابط و حقوق دول برخوردار هستند، بنابراین این افراد در سایه این اسناد بین‌المللی نیز از حمایت‌های بین‌المللی برخوردار نمی‌گردند. (Nishimura, 2015: 6)

از محدود تعاریف ارائه‌شده که معرف آوارگان داخلی ناشی از تغییرات آب و هوایی است، سند اصول راهنمای جابجایی اجباری است که بیان می‌دارد: «اشخاص یا گروه‌هایی که مجبور و یا ملزم شده‌اند که خانه‌ها یا اقامتگاه‌های خود را در نتیجه یا به منظور اجتناب از آثار مخاصمه مسلحانه، وضعیت‌های خشونت عمومی، نقض حقوق بشر و یا بلایا و فجایع طبیعی یا انسانی ترک نمایند و از مرزهای شناخته شده بین‌المللی هیچ دولتی نیز عبور نکرده باشند، آوارگان داخلی هستند.» (بیگ زاده و افشاری، ۱۳۹۰: ۱۹۹)

البته سازمان بین‌المللی مهاجرت (International Organization for Migration) یک تعریف کاری از مهاجران زیست محیطی ارائه کرده است که در حقیقت شاید بتوان در پوشش آن به افراد نیازمند در شرایط بحرانی کمک کرد و به نظر می‌آید که کوششی برای تسهیل یک موضوع پیچیده به دلایل بشردوستانه است. این تعریف کلی که بر مبنای ویژگی‌هایی چند قابل درک است در اجلاس نود و چهارم شورای سازمان بین‌المللی مهاجرت مطرح شد و پس از آن در گزارش سالانه سازمان از سال ۲۰۰۸ مورد استفاده قرار گرفت.^۱

1. IOM.int, 2014.

اصلی‌ترین شاخص‌های این تعریف موارد زیر را دربر می‌گیرد؛ مهاجران زیست محیطی فقط آنانی که توسط صرف حوادث زیست محیطی تغییر محل سکونت می‌دهند نیستند، بلکه شامل کسانی نیز می‌شود که در اثر وخیم‌تر شدن وضعیت زیست محیطی مهاجرت می‌کنند. این تحرکات می‌توانند درون مرزی و هم فرامرزی به صورت کوتاه‌مدت و یا بلندمدت باشد.^۱

همان طوری که ذکر آن رفت مفهوم پناهنده یا مهاجر یا آواره به علل تغییر وضعیت محیط زیست، دارای بار حقوقی است. به ویژه پناهندگان که تداعی مفهوم حقوقی مندرج در ماده ۱ کنوانسیون ۱۹۵۱ درباره وضعیت پناهندگان است که بیان می‌دارد: «پناهنده کسی است که به دلایلی چون نژاد، مذهب، ملیت، عضویت در یک گروه خاص اجتماعی و یا عقیده سیاسی ترس موجهی از آزار دارد و جایی خارج از کشور اصلی خود به سر می‌برد و به علت ترس از آزار و تعقیب قادر یا مایل به برخورداری از حمایت کشور خود و یا بازگشت به آن نیست.» (گزیده اسناد بین‌المللی حقوق بشر، ۱۳۸۴) بنابراین مشاهده می‌شود که جای محیط زیست، بلایای طبیعی و به تبع تغییرات اقلیم در زمینه‌های پناهندگی خالی است. اگر چه در واقعیت می‌توان دید که میلیون‌ها نفر به دلایل فوق قادر یا مایل به برخورداری از حمایت کشور خود و یا بازگشت به آن نیستند، اما مهاجران زیست محیطی به عنوان پناهنده تلقی نمی‌گردند و تحت حمایت کنوانسیون پناهندگان قرار نمی‌گیرند. مگر کسانی که از مرزهای سرزمین خود عبور کرده و بتوانند ترس از آزار و شکنجه ناشی از شرایط تغییرات اقلیم را اثبات کنند.

به هر روی، در حالی که عده اندکی سعی در استفاده از عبارت «پناهندگان زیست محیطی» دارند، عده دیگری عقیده دارند با توجه به تعریف مشخص ماده ۱ کنوانسیون ۱۹۵۱ امکان قراردادن مهاجران زیست محیطی در دسته پناهندگان به لحاظ حقوقی و معنایی ممکن نیست. اما گستره چتر حمایتی عبارت «مهاجران زیست محیطی» باید به قدری گسترده گردد تا نه تنها کسانی که در اثر تأثیر مستقیم تغییرات اقلیم مجبور به جابجایی می‌شوند را شامل شود، بلکه افرادی که به سبب فشارهای اقتصادی و معیشتی ناشی از این تغییرات نیز، حتی به صورت برنامه‌ریزی شده اقدام به ترک خانه و کاشانه خود می‌کنند، شامل شود. (Nishimura, 2015: 6)

1. IOM.int, 2014.

طبیعی است همان طور که ذکر شد، نیمی از این افراد را زنان تشکیل می‌دهند که در معرض مخاطرات بیشتری نیز هستند. زنان پناهنده، آواره و مهاجر همواره در معرض انواع آسیب‌ها، به ویژه خشونت‌ها قرار داشته‌اند و در شرایط اضطراری این آزارها تشدید می‌گردد که نیازمند حمایت حقوقی ویژه‌ای است.

۲- عوامل تغییرات اقلیم

حال به برخی از دلایلی که موجب ترک محل سکونت و حرکت خیلی عظیمی از افراد با عناوین ذکر شده می‌گردد، اشاره می‌کنیم. شش گروه از عوامل محیط زیستی که می‌توانند منجر به جابجایی ناشی از تغییرات محیط زیست و اقلیم گردد، عبارتند از:

۱. بلایای طبیعی و تغییرات اقلیم؛
 ۲. اجرای برنامه‌های توسعه از قبیل احداث جاده، کارخانه، دکل‌های برق و غیره؛
 ۳. مسیر پیش رونده تخریب محیط زیست و فرآیند طبیعی محدودیت امکانات؛
 ۴. حوادث ناشی از آلودگی‌های صنعتی، هسته‌ای و یا نفتی با آثار زیست محیطی بلندمدت؛
 ۵. تغییرات زیست محیطی ناشی از مخاصمات مسلحانه؛
 ۶. حرکت و جابجایی خیل عظیمی از مردم به دلایلی به منطقه‌ای با ظرفیت محدود که منجر به کاهش امکانات زیست محیطی برای مردم منطقه و مردم تازه وارد می‌شود.
- (UNHCR, 2008)

منظور از تغییرات اقلیم مطابق بند ۲ ماده ۱ کنوانسیون ساختاری ملل متحد در خصوص تغییرات آب و هوایی، تغییر در آب و هوا به معنی آن تغییراتی است که در نتیجه فعالیت‌های مستقیم یا غیرمستقیم انسانی باعث تغییر در ترکیبات جو زمین گردد. این تغییرات متفاوت از تغییرات طبیعی آب و هوایی است که در دوره‌های زمانی مشابه مشاهده می‌گردد. (عبداللهی، ۱۳۸۹: ۱۹۴)

همان طوری که بیان شد، تغییرات اقلیم به ویژه در ابتدای قرن بیستم به عنوان مهم‌ترین عامل، موجب جریان‌های بزرگ جابجایی مردم آسیب دیده گردیده و عمده

تغییرات اقلیم نیز ناشی از نتایج گرم شدن کره زمین است. تبدیل شدن بیش از یک میلیارد هکتار زمین حاصل خیز به بیابان در سرتاسر کره زمین موجب مهاجرت‌های داخلی و خارجی ساکنین آن مناطق در ابعاد وسیعی گردیده و آنان را تبدیل به آوارگان، پناهندگان یا مهاجران زیست محیطی نموده است. این پدیده در اغلب موارد بی‌ثباتی و درگیری مسلحانه مهاجران و ساکنین بومی را در پی داشته است. (بیگ زاده و افشاری، ۱۳۹۰: ۱۹۳)

۳- وضعیت پناهندگان و آوارگان تغییرات اقلیم در آفریقا

میزان تأثیرپذیری کشورهای مختلف از تغییرات آب و هوایی، به متغیرهای متعددی از جمله وضعیت جغرافیایی (واقع شدن در نیم کره شمالی یا جنوبی کره زمین، آب و هوای خشک، استوایی، کوهستانی و غیره)، میزان توسعه‌یافتگی و همین‌طور میزان مصرف سوخت‌های فسیلی در آن کشور بستگی دارد. (عبدالهی، ۱۳۸۹: ۱۹۸) در حالی که آفریقا کم‌ترین سهم در بدترشدن وضعیت تغییرات اقلیم در کل جهان را دارد، اما این قاره آسیب‌پذیرترین وضعیت را در سراسر جهان است. وضعیت از آنجا نگران‌کننده است که این قاره کمترین ظرفیت ممکن را برای تطبیق با تغییرات اقلیم دارد. البته به‌طور کلی وضعیت اقلیم در آفریقا مناسب نبوده و با ظاهر شدن شرایط جدید در سال‌های اخیر خطرناک‌تر شده است. آفریقا به‌طور کلی دربردارنده پنجاه درصد از پناهندگان و آوارگان سراسر جهان، و به همین نسبت، از آوارگان زیست محیطی است. اغلب این جمعیت در نتیجه خشکسالی، فرسایش خاک و بیابان‌زایی در کشورهای زیمبابوه، کنیا، اتیوپی، سودان، سومالی و تانزانیا هستند. هشدارهای جهانی حاکی از آن است که بسیاری از مناطق خشک، خشک‌تر می‌شوند و مناطق مرطوب مرطوب‌تر. در برخی از مناطق خشکسالی حاکم و در برخی سیل جاری می‌گردد. اگر چه در وضعیت کنونی آمار جهانی دقیقی از آوارگان زیست محیطی وجود ندارد، اما ۵۵۰ میلیون نفر از جمعیت جهان در سال ۱۹۹۵ در معرض کمبود شدید آب و در نتیجه جابجایی‌های زیست محیطی بوده و ۲۵ میلیون نفر از مجموع آوارگان و پناهندگان در این سال را نیز شامل می‌شود. (Myers, 2002: 610) بر اساس آخرین آمار منتشره از سوی کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد، ۲۲ میلیون نفر از آوارگان سال ۲۰۰۸ مربوط به گروه بوده است. (IDMC, 2015)

۳-۱- آسیب‌های ناشی از تغییرات اقلیم در آفریقا

تغییرات اقلیم در بسیاری مناطق از جمله آفریقا تأثیرات مستقیم و غیرمستقیمی بر بسیاری از حقوق بشری از جمله حق حیات، دسترسی به غذای مناسب، آب سالم، سلامتی و مسکن مناسب داشته است. افراد تحت تأثیر این تغییرات اغلب مردم فقیر ساکن در کشورهای کمتر توسعه‌یافته، مناطق خشک یا نیمه خشک هستند. آمارها حاکی از آن است که تنها در سال ۲۰۰۵، ۲۵ میلیون نفر در آفریقای زیر صحرا با بحران غذایی روبرو بوده‌اند. به علاوه، تغییرات آب و هوایی مشکلات دیگری چون آوارگی، مهاجرت اجباری، جنگ و ناامنی غذایی را نیز به همراه داشته است. در این بین، گروه‌های آسیب‌پذیر مانند زنان و کودکان برای دسترسی به حقوق اولیه خود از جمله دستیابی به آب و غذا با مخاطرات و مشکلات بیشتری مواجه هستند. (پورخاقان شاهرضایی، ۱۳۹۴: ۱۳۰)

با روند فزاینده تغییرات آب و هوایی، پیش‌بینی شده است که در سال‌های آینده دگرگونی‌های قابل ملاحظه‌ای در میزان بارش در حوالی صحرا و آفریقای جنوبی، رشد بیابان‌زایی در اثر افزایش دما و همچنین کمبود آب پدید آید. وقوع این تغییرات در سطح جهانی موجب آوارگی ۲۴۰-۲۵۰ میلیون نفر در سرتاسر جهان خواهد شد که سهم قابل توجهی از آن به قاره آفریقا اختصاص خواهد داشت. (Costanza, 2011: 4). تولید محصولات کشاورزی نیز بین ده تا سی درصد کاهش داشته و موج گرما و امراض آفریقا را در برگیرد. به طور مثال پیش‌بینی شده ۶۷ میلیون آفریقایی تا سال ۲۰۵۰ به مالاریا مبتلا شوند. بنابراین تعداد افرادی که به دلایل این تغییرات جابجا می‌شوند افزایش خواهد یافت این کمبودها به نوبه خود موجب رقابت، خشونت و تعارض می‌گردد و حلقه‌ای از مصیبت‌ها را پدید می‌آورد. در واقع این پیش‌بینی‌ها درست بوده‌اند، وخامت بحران‌های غذایی در آفریقا از اواسط دهه هشتاد میلادی، هر سال سه برابر شده است. (kolmannskog, 2009)

بسیاری از مقامات سازمان‌های بین‌المللی که در آفریقا فعال هستند براین باورند که مردم کشورهای آفریقایی تنها به کمک‌های اضطراری نیاز ندارند، بلکه باید برای افزایش توانایی‌هایشان در جهت تعدیل شرایط خود یاری شوند تا بتوانند با بحران‌های طبیعی که در

این منطقه به تناوب اتفاق می‌افتد مقابله کنند. به عبارت دیگر نیاز به کمک‌های بلندمدت، آموزش‌های ضروری و ایجاد تأسیسات از کمک‌های ضروری موقت و کوتاه‌مدت بیشتر است. (kolmannskog, 2009)

در بسیاری از مناطق آفریقا در سال‌های گذشته بحران‌های طبیعی وسعت داشته است. در سال ۲۰۰۹، کنیا یکی از بدترین و سخت‌ترین خشکسالی‌های دهه گذشته را پشت سر گذاشت، در پی آن میلیون‌ها نفر در حالی که نیاز به کمک‌های غذایی ضروری داشتند، محل زندگی خود را ترک و برای ادامه حیات به سمت مناطق دیگر حرکت کردند. یکی از مناطقی که محل اقامت عده زیادی شده بود «درباب» (Darbaab) بود. درباب یکی از قدیمی‌ترین، بزرگترین و پرجمعیت‌ترین سکونت‌گاه‌های کنیا است. در اثر همین جابجایی ناشی از خشکسالی جمعیت این منطقه به طور قابل ملاحظه‌ای افزایش یافت و برخی در اردوگاه‌ها اسکان یافتند، در نتیجه دسترسی به آب و درخت برای هیزم و ساخت و ساز محدود شد و این امر رقابت بین مردم محلی و مردمی که نقل مکان کرده بودند را افزایش داد. در همین منطقه یکباره به علت بارش باران سنگین و نتیجه آن از بین رفتن غذاها، آلوده شدن آب‌ها و شیوع بیماری‌های خطرناک بود. عدم کنترل و ارائه حمایت به این افراد موجب می‌شود که این گروه‌ها که خود در نتیجه شرایط بد آب و هوایی نقل مکان کرده‌اند، با قطع درختان برای ساختن خانه‌های ابتدایی و موقت و سوخت شرایط خشکسالی در مناطق دیگر را نیز تشدید کند. این چرخه منفی با عدم دسترسی به بهداشت و آب آشامیدنی و افزایش بیماری‌های اپیدمی کامل می‌گردد و آثار بحران‌های ناشی از جابجایی‌های زیست محیطی را گسترده‌تر می‌کند. (5: Migration & Environment, 2007) گزارش‌های کمیساریای عالی پناهندگان حاکی از آن است که در این بحران، زنان کار و مسئولیت بیشتری داشتند و به عنوان مثال به هنگام جمع‌آوری و تهیه هیزم، تهیه آب و غذا به شدت در خطر تجاوز بودند. در این منطقه آمار خشونت نسبت به زنان به ویژه خشونت جنسی، ۳۰٪ در سال ۲۰۰۹ افزایش یافت. گزارش‌های مشابه دیگری نیز از سومالی، سودان، اتیوپی وجود دارد. (UNHCR, 2009)

تغییرات اقلیم، زارعان کوچک در آفریقا را نیز تحت تأثیر بسیار قرار داده است. در واقع با باران‌های موسمی و دمای غیرعادی در فصول، کشاورزی آنان مختل می‌گردد و به ویژه زارعان کوچک توانایی کمی برای تطبیق کار و زراعت خود با شرایط آب و هوایی جدید دارند و

اغلب کشاورزی آنان مختل شده و مشکلات معیشتی برای آن‌ها رخ می‌دهد. در آفریقا زنان ۸۰٪ کارگران در مزارع کوچک هستند و این تغییرات بر توانایی تأمین مایحتاج ضروری آنان اثرات بسیار منفی‌ای می‌گذارد. آمارها نشان می‌دهد تعداد زنان متأثر از این وضعیت از ۷۳٪ در کنگو تا ۴۸٪ در بورکینافاسو متغیر است، اما تأثیرات منفی آن بر روی زنان و کودکانشان انکارناشدنی است. بسیاری از این افراد همانند دیگر قربانیان تغییرات اقلیم مجبور به جابجایی می‌شوند و در مسیر حرکت خود با مخاطرات بسیاری روبرو می‌گردند.

۳-۲- مخاطرات پیش روی زنان در جابجایی‌ها

اگر چه تمام مهاجران، پناهندگان و آوارگان اجباری در مسیر خود و یا در اردوگاه‌ها با مشکلات و خطراتی روبرو هستند، اما زنان و دختران با مشکلات ویژه‌ای در طول راه و مسیر فرار و یا در اردوگاه‌های موقت و دائم روبرو هستند. زنان اغلب به دلیل شرایط جسمی، عدم دارا بودن مهارت‌های شغلی خاص و همچنین وظیفه مراقبت از کودکان، توانایی پیمودن مسیرهای کوتاه‌تری دارند و به مکان‌هایی که چندان از شرایط تغییرات اقلیم بی‌نصیب نیستند، نقل مکان می‌کنند. (Morissey, 2009: 36)

به طور کلی زنان و دختران پناهنده در معرض اشکال گوناگون خشونت هستند. نتیجه جابجایی برای زنان و دخترانی که در محدوده مخاصمات مسلحانه زندگی می‌کنند و یا به دلیل دیگری مانند تغییرات آب و هوایی مجبور به جابجایی می‌شوند، این است که در معرض کشتار، تجاوز جنسی، بردگی جنسی، فروخته شدن و انواع دیگر خشونت‌ها قرار دارند. به طور کلی در بحران‌های طبیعی زنان به لحاظ جایگاه فرعی خود در اغلب فرهنگ‌ها، به ویژه آفریقا، بسیار آسیب‌پذیرتر از مردان هستند. کمک‌هایی که در بحران‌ها صورت می‌گیرد، معمولاً به طریقی سازماندهی نمی‌شود که زنان به آنان دسترسی آسان داشته باشند.^۱

در اردوگاه‌ها نیز زنان پناهنده وابسته و نیازمند دریافت کمک و غذا از دیگران هستند. این اغلب به این معناست که این زنان برای به دست آوردن غذا، سر پناه، خدمات بهداشتی و سلامتی و محافظت از خشونت در برابر دیگران مجبور به معامله جنسی می‌شوند.

(UNFPA, 2006)

1. UNIFEM, 2004.

طراحی و نقشه‌های اردوگاه‌ها نیز بر مشکلات زنان می‌افزایند. وظایف زنان مانند پختن غذا، جمع‌آوری آب و سوخت و مراقبت از دیگران در شرایطی که منابع تأمین این نیازها خارج از اردوگاه‌های در فاصله‌ای دور و نا امن قرار دارد، خطر آسیب دیدن زنان را به خصوص در هنگام شب بالا می‌برد. در برخی از موارد سرویس‌های بهداشتی در کنار اردوگاه‌ها است و امنیت زنان و دختران در استفاده از آنها تأمین نمی‌گردد. زنان و دختران اغلب از ترس سوءاستفاده و خشونت به این سرویس‌ها مراجعه نمی‌کنند. (UNFPA, 2006)

طبق گزارش دفتر جهانی صندوق جمعیت سازمان ملل متحد در سال‌های ۱۹۹۶ و ۱۹۹۷ در یک اردوگاه در شمال کنیا، تقریباً ۹۰٪ از تجاوزها و تعرض‌ها در زمان جمع‌آوری هیزم نسبت به زنان روا شده بود. (UNFPA, 2006)

به طور کلی میزان خشونت و آزار جنسی نسبت به زنان در مخاصمات مسلحانه و مخاطرات طبیعی در آفریقا بالاست. بر اساس گزارش‌ها، در طول کشتار و فاجعه بشری سال ۱۹۹۴ رواندا، نیم میلیون زن مورد تجاوز قرار گرفتند. (UNIFEM, 2007) در گزارشات دیگری بر اساس مطالعه‌ای که در سال ۲۰۰۰ بر روی زنان آواره سیرالئون صورت گرفت، آماری بین پنجاه هزار تا شصت و چهار هزار مورد سوءاستفاده جنسی را تأیید می‌کرد.

همچنین بین سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۵ تعداد پانصد نفر زن قربانیان تجاوز و خشونت جنسی در دارفور بوده و تحت درمان قرار گرفتند. (IRIN/OCHA, 2005) در جنگ داخلی کنگو که سال‌ها به طور انجامیده است، آمارها از خشونت نسبت به زنان به طور کلی و در اردوگاه‌های کشورهای همسایه بیداد می‌کند.

این خشونت‌ها علاوه بر موارد ذکر شده قبلی، به بارداری اجباری، سقط جنین اجباری، فروش برای کار جنسی، بردگی جنسی و گسترش ایدز می‌انجامد. بازماندگان خشونت‌های جنسی، با آسیب‌های طولانی مدت از قبیل ناتوانی جنسی، پریشانی ناشی از ضربه روحی و روانی روبرو هستند.

همه مواردی که ذکر شد در شرایط اضطراب‌ناشی از تغییرات اقلیم شکل حادثتری به خود می‌گیرد که لزوم توجه جهانی به این مسئله را می‌طلبد. زیرا زنان در فرهنگ آفریقایی مجبور به تحمل مسئولیت‌های نامناسب و نابرابر، تحمل بار سنگین مراقبت از وابستگان

هستند و همچنین وظیفه تأمین غذا، آب و سوخت را به عهده دارند. وظایفی که انجام آنها و تأمین سلامت و رفاه خانواده به شدت حساس و تحت تأثیر و نفوذ شرایط اقلیم است. شایان ذکر است، در میان زنان گروه‌های خاصی از آنان از جمله زنان بیوه که دارای فرزند هستند، سالخوردگان و دختران بیشتر آسیب‌پذیر و محتاج مراقبت، محافظت و حمایت ویژه می‌باشند. (UNIFEM, 2004)

بنابراین تغییر شرایط اقلیم باعث تنزل شرایط و امکانات محیطی و موجب جابجایی بیشتر می‌گردد که وجود شرایط بد اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و مشکلاتی مانند فقر، تبعیض، مدیریت نامطلوب اردوگاه‌ها و درگیری‌ها و مخاصمات مسلحانه اوضاع را وخیم‌تر می‌کند. این موارد در کشورهای آفریقایی موجب پدیدار شدن تعداد زیادی پناهنده، مهاجر و آواره گردیده که ۸۰٪ آنان را زنان تشکیل می‌دهند و به دلایل انسانی و جنسیتی محتاج حمایت حقوقی خاص هستند.

با بررسی ارتباط میان بلایای طبیعی ناگوار ناشی از تغییرات اقلیم که گاه با دیگر کشمکش‌ها و مخاصمات نیز درهم می‌تند، و جابجایی آوارگان و مهاجران زیست محیطی در می‌یابیم:

۱. تغییرات اقلیم در کنار سایر عوامل منجر به جابجایی افراد زیادی می‌گردد که بخش بزرگی از آنان را زنان تشکیل می‌دهند، این واقعیت را امروزه در آفریقا می‌توان به عینیت و در گستره وسیع دریافت.

۲. نه تنها معضلات، تنها با سازوکارهای انسان‌دوستانه حل نمی‌گردند و می‌بایست قوانین و مقررات لازم‌الاجرا نیز زمینه ساز اصلی حمایت‌های حقوقی باشد، بلکه نیاز به حمایت دولت‌ها، سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و شناسایی مسئولیت بین‌المللی این نهادها وجود دارد.

۳. راهکارهایی از جمله شناسایی تغییرات اقلیم به عنوان یک دغدغه مشترک بشری بستر اخلاقی لازم برای افزایش همکاری‌های بین‌المللی برای حفظ میراث مشترک بشریت یعنی آب و هوا را فراهم می‌آورد. از طرفی توسل به اصل «مسئولیت مشترک اما متفاوت» دولت‌ها در زمینه تغییرات اقلیم، الزامات حقوقی لازم برای مقابله با این پدیده و کاهش آسیب‌های طبیعی و انسانی ناشی از آن را تبیین می‌کند. این اصل یادآور می‌شود با وجود

مسئولیت همه دولت‌ها، قطعاً دولت‌های توسعه‌یافته به عنوان مسببان اصلی این پدیده مسئولیت بیشتری برای مقابله با آن دارند. (عبدالهی، ۱۳۸۹: ۱۹۹)

۴- حمایت حقوقی از زنان متأثر از تغییرات اقلیم در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای آفریقا

حال با عنایت به موضوع حمایت حقوقی از زنان متأثر از آثار تغییرات اقلیم، از بررسی اسناد بین‌المللی در زمینه حقوق بین‌الملل پناهندگی این نتیجه به دست می‌آید که حقوق بین‌الملل پناهندگی نسبت به عامل محیط زیست در این زمینه قابل تعمیم نیست و فقدان اشاره صریح در اسناد موجود در این زمینه به ویژه کنوانسیون مربوط به وضعیت پناهندگان ۱۹۵۱ ژنو و پروتکل الحاقی ۱۹۶۷ ضرورت انجام اقدامات بین‌المللی در جهت شناسایی حقوق این افراد تحت حقوق بین‌الملل پناهندگی را نمایان می‌کند. البته کارگزاران بین‌الملل به ویژه کمیساریای عالی پناهندگان مکرراً بر این امر تأکید کرده‌اند که در هر صورت همه افرادی که با دلایل ذکر شده در این نوشتار مجبور به جابجایی می‌شوند و در یکی از گروه‌های مهاجران اجباری، پناهندگان و آوارگان داخلی قرار می‌گیرند، تحت حمایت اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین‌المللی هستند. (UNFPA, 2006)

با توجه به اینکه عدم شناسایی مهاجران زیست محیطی تحت نظام بین‌المللی حقوق پناهندگان، موجب فقدان شناسایی حقوق و حمایت‌هایی از جمله اصل عدم بازگرداندن اجباری، اصل ارجاع به کشور امن ثالث و دیگر حقوق مندرج در اسناد حقوق بین‌الملل پناهندگان می‌گردد، تلاش برای تغییر گستره حمایت حقوق بین‌الملل پناهندگان جهت شمول میلیون‌ها انسان آواره و مهاجر در نتیجه تغییرات آب و هوایی از ارزش و اهمیت بالایی برخوردار است. (Nishimura, 2015: 13) در حال حاضر مشکل اصلی، دستیابی به یک تعریف حقوقی از کسانی است که به دلایل زیست‌محیطی و تغییرات اقلیم از سکونت‌گاه اصلی خود می‌گریزند. شایان ذکر است، در آفریقا با توجه به اینکه اغلب آسیب‌دیدگان این شرایط از فقیرترین و ناتوان‌ترین مردم هستند، عمده این جابجایی‌ها در داخل مرزهای سرزمینی اتفاق می‌افتد و این افراد جزو گروه آوارگان هستند.

به‌رغم ضرورت مطرح شده، بررسی مختصر اسناد موجود در زمینه زنان پناهنده خالی از فایده نیست. زیرا همان‌طور که ذکر شد به‌طور کلی زنان در اثر گریز از محل اصلی زندگی

خود چه به صورت پناهنده، آواره یا مهاجر، در معرض خطر و آسیب از انواع خشونت‌ها و آزارها هستند. اسناد بین‌المللی که به نحوی به حمایت از زنان و به ویژه زنان و کودکان پناهنده می‌پردازند، عبارتند از:

۱. رهنمودهای حمایت از زنان پناهنده، ۱۹۹۱ کمیساریای عالی پناهندگان؛

۲. بیانیه رفع خشونت نسبت به زنان ۱۹۹۳، مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد؛

۳. اعلامیه نهایی و برنامه‌های اقدام کنفرانس‌های حقوق بشر وین (۱۹۹۳)؛

۴. توسعه و جمعیت قاره ۱۹۹۴؛

۵. به ویژه چهارمین کنفرانس زنان در پکن، بخش زنان پناهنده و همچنین کنفرانس‌های بررسی پنج ساله و ده ساله سند در ۲۰۰۰ و ۲۰۰۵ نیویورک؛

۶. قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت با عنوان زنان، حفظ صلح و امنیت بین‌المللی؛

۷. قطعنامه‌های شورای امنیت با موضوعات حمایت از کودکان درگیر مخاصمات مسلحانه و همچنین خشونت جنسی نسبت به کودکان دختر از سال ۱۹۹۹ تاکنون.

البته لازم به ذکر است سازمان وحدت آفریقا سابق و اتحادیه آفریقا کنونی نیز مجموعه‌ای از اسناد مربوط به حمایت از پناهندگان را تدوین نموده است. از مهم‌ترین این اسناد در خصوص حمایت از زنان قربانی تغییرات اقلیم، می‌توان به این دو سند اشاره کرد که مورد بررسی قرار خواهد گرفت: ۱- پروتکل ۲۰۰۳ زنان منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم^۱ که در سال ۲۰۰۵ لازم الاجرا شد؛ ۲- کنوانسیون اتحادیه آفریقا برای حمایت و کمک به مردم آواره در آفریقا^۲ که در سال ۲۰۰۹ در اوگاندا (کامپالا) به تصویب رسید که در سال ۲۰۱۲ لازم‌الاجرا شده است. این کنوانسیون از این منظر که دقیقاً به واژه تغییرات اقلیم و آوارگی ناشی از آن و حمایت حقوقی از این گروه آوارگان زیست محیطی اشاره دارد، بسیار مهم است.

1. Protocol to the African Charter on Human and peoples' Rights on the Rights of Women in Africa.

2. the African Union Convention for the Protection and Assistance of Internally Displaced Persons in Africa.

۴-۱- پروتکل الحاقی زنان به منشور حقوق بشر و مردم آفریقا

منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم که در سال ۱۹۸۱ تصویب شد، همواره از بابت عدم توجه کافی به حقوق زنان موجب انتقاد بود. در حالی که با توجه به موارد نقض مکرر حقوق بشر زنان در قاره آفریقا که بخشی از آن یادگار دوران استعمار و بخش دیگر آن به علت فقر مفرط و مخاصمات مسلحانه و آثار ناشی از آن و دلایل فرهنگی است، می‌باید تمهیدات بیشتر و بهتری را برای حمایت از زنان در نظر گرفت. نظر به نیازهای ویژه زنان آفریقایی بعد از سال‌ها بحث و مذاکره در نهایت پروتکل الحاقی به عنوان یک سند حقوقی لازم‌الاجرا برای حمایت بیشتر از زنان تصویب شد. این پروتکل دارای چند ویژگی مهم به خصوص در زمینه حمایت از زنان آسیب‌پذیر است. به عنوان مثال، خشونت به زنان را همه اعمال انجام شده نسبت به زنان که منجر به صدمه فیزیکی، جنسی، روانی و اقتصادی و یا تهدید به آن‌ها باشد، تلقی می‌کند. این پروتکل حتی اعمال محدودیت‌های خودسرانه را که به محرومیت از آزادی‌های اساسی در زندگی خصوصی و عمومی در زمان صلح، مخاصمات مسلحانه و یا جنگ می‌انجامد در زمره خشونت نسبت به زنان قرار می‌دهد. (بند ج (j) ماده ۱) در حقیقت می‌توان گفت که این سند زمینه‌های اعمال خشونت نسبت به زنان را توسعه داده است.

این سند طی ماده ۴، تحت عنوان «حق حیات، تمامیت و امنیت فرد» از دولت‌ها می‌خواهد که تمام معیارهای مقتضی را برای پایان انواع خشونت به کار گیرند و از حمایت کامل از زنان پناهنده تحت لوای حقوق بین الملل پناهندگی یاد می‌کند.

در پاراگراف C ماده ۲ نیز با عنوان «حق صلح» از دولت‌ها می‌خواهد که در تصمیم‌گیری‌های محلی، ملی، منطقه‌ای، قاره‌ای، بین‌المللی تصمیمات سازنده‌ای برای حمایت جسمی، روانی، اجتماعی و حقوقی پناهجویان، پناهندگان، بازگشتگان و آوارگان زن اتخاذ گردد، و همچنین در بند D تأکید می‌کند زنان در سطوح مدیریت اردوگاه‌های پناهندگان و آوارگان نقش داشته باشند. با توجه به عنوان ماده که حق صلح است به نظر می‌رسد، تدوین‌کنندگان این سند پناهندگی و آوارگی را ناشی از مخاصمات مسلحانه تلقی می‌کنند و توجهی به ریشه آن ندارند.

ماده ۱۱ نیز یک بار دیگر به زنان پناهنده، پناهجو و آوارگان داخلی و لزوم حمایت از آنان در برابر همه اشکال خشونت، تجاوز به عنف و دیگر اشکال بهره‌کشی اشاره می‌کند.

نکته مهم در این سند، توجه مکرر به زنان پناهجو، پناهنده و آواره است که به نظر می‌رسد مشکلات زنان را در این زمینه تبیین می‌کند و حتی با توجه به مشکلات اردوگاه‌های پناهنده‌گی و آوارگی، می‌خواهد که زنان در سطوح تصمیم‌گیری اردوگاه‌ها نقش داشته باشند. این پروتکل که لازم‌الاجرا نیز گردیده، سند مناسبی برای بیان جنبه‌های مختلف لزوم حمایت حقوقی از زنان آفریقایی است.^۱

۴-۲- کنوانسیون حمایت و کمک به مردم آواره داخلی در آفریقا

کنوانسیون حمایت و کمک به مردم آواره داخلی در آفریقا مصوب اتحادیه آفریقا نیز سند دیگری است که به یکی از عمده‌ترین مشکلات قاره آفریقا یعنی آوارگان داخلی به طور کلی می‌پردازد. (AU, 2009) شایان ذکر است، این سند جدا از آنکه به تغییرات اقلیم به عنوان یکی از دلایل آوارگی و جابجایی اشاره می‌کند، در حمایت از زنان و کودکان نیز از قوت برخوردار است و در حقیقت اولین سند منطقه‌ای در جهان برای انجام تعهدات حقوقی دولت‌ها برای کمک به آوارگان است.

در حال حاضر افراد آواره، پنج برابر پناهندگان در سطح جهان هستند که ۴۰٪ از آن در قاره آفریقا است. طبق آماری که مرکز بررسی آوارگان داخلی (IDMC) منتشر کرده است، امروزه ۱۲ میلیون نفر آواره داخلی در سرتاسر قاره آفریقا به ویژه در منطقه جنوب صحرائی بزرگ آفریقا وجود دارد که حدود سه میلیون و هفتصد هزار نفر از این جمعیت تنها در فاصله سال ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۳ آواره گردیده‌اند.

بر مبنای ماده ۱ کنوانسیون کامپالا، آوارگان داخلی افراد یا گروه‌هایی از افراد هستند که مجبور به فرار و ترک محل سکونت یا اقامتگاه دائمی خود در نتیجه دوری از آثار مخاصمات مسلحانه، خشونت‌های ناشی از نقض حقوق بشر، بلایای طبیعی، بلایای مصنوع دست بشر یا ناشی از طرح‌های توسعه هستند. این افراد در داخل مرزهای شناخته شده داخلی حرکت

کرده و از یک مرز بین‌المللی دولت‌ها عبور نکرده‌اند. بنابراین، کنوانسیون یک استاندارد حمایت از مردم آواره در طول جابجایی و راه‌حل پایدار را از دولت‌ها طلب می‌کند.

به طور مشخص کنوانسیون طی بند ۴ ماده ۵ از دولت‌های عضو می‌خواهد که اقداماتی برای حمایت و کمک به اشخاصی که در نتیجه بحران طبیعی و انسانی از جمله تغییرات آب و هوا آواره شده‌اند، انجام دهند.

ماده ۷ در ارتباط با تمهیدات لازم در زمان مخاصمات مسلحانه است. از این باب همان طوری که قبلاً ذکر آن رفت در شرایطی مخاصمات مسلحانه و بحران‌های طبیعی و تغییرات اقلیم با یکدیگر همراه و آثار یکدیگر را تشدید می‌کنند.

همچنین این سند طی پاراگراف F بند ۲ ماده ۷ از همه گروه‌های نظامی و مسلح می‌خواهد که از به کار گرفتن اجباری اشخاص به عنوان سرباز، آدم‌بایی، ربودن زنان و کودکان، گروگان‌گیری و به کار گماری به عنوان برده جنسی و خرید و فروش افراد خصوصاً زنان و کودکان خودداری نمایند.

ماده ۹ نیز در ارتباط دقیق موضوعی است، طی بند ۱ تعهدات دولت‌ها را در حمایت از افراد داخلی بدون در نظر گرفتن سبب آوارگی درخواست می‌نماید و طی پاراگراف D این بند جلوگیری از اعمال زیر را مطرح می‌کند:

خشونت‌های جنسی و بر پایه جنسیت در همه اشکال. خصوصاً تجاوز به عنف، اجبار به فحشاء، بهره‌کشی و بکارگیری‌های مضر، بردگی، بکارگیری کودکان سرباز و استفاده از آنان در جنگ‌ها، کار اجباری و خرید و فروش انسان‌ها.

پاراگراف C، بند ۲ ماده ۹ نیز از دولت‌ها می‌خواهد که اقدامات حمایتی زیر را به ویژه برای زنان فراهم نماید: «حمایت خاص و کمک به افراد آواره داخلی با نیازهای خاص شامل کودکان جدا شده و بدون همراه، زنان سرپرست خانواده، مادران باردار، مادران با فرزندان خردسال، سالخورده‌گان و افراد ناتوان یا کسانی که بیماری‌های مسری دارند.»

همچنین پاراگراف D همین بند ماده ۹ نیز می‌خواهد که اقدام خاص برای حمایت و تأمین سلامتی و بهداشت جنسی و جنسیتی برای زنان آواره داخلی به علاوه در

نظر گرفتن حمایت‌های خاص روانی - اجتماعی برای قربانیان و دیگر موارد سوءاستفاده از زنان انجام گردد.

در نهایت ماده ۱۳، با عنوان ثبت نام و اسناد شخصی، به حقوق برابر زنان، مردان و کودکان جدا شده و بی‌همراه برای تحصیل هویت ضروری و داشتن اسناد هویتی با نام خودشان اشاره می‌کند.

این کنوانسیون یک نقطه عطف و برجسته در اسناد حقوق بشر است و چهار نکته خاص قابل تأمل در زمینه موضوع مورد تحقیق در آن می‌تواند مورد اشاره قرار گیرد: ۱. توجه به آثار تغییرات اقلیم در آوارگی و حمایت از قربانیان آن؛ ۲. حمایت ویژه از زنان و کودکان؛ ۳. جستجوی راه‌حل‌های پایدار؛ ۴. تقاضا برای تحقق کنوانسیون از نوشته به عمل.

با توجه به لازم‌الاجرا شدن کنوانسیون، می‌توان گفت که خلاء حقوقی حداقل در آفریقا، با توجه به دو سند عنوان شده وجود ندارد. لیکن همگان می‌دانند که حمایت حقوقی نیازمند اراده سیاسی و مهم‌تر امکانات اقتصادی و اجتماعی در قاره‌ای است که به حداقل‌ها مشهور است.

نتیجه‌گیری

موضوع محیط زیست و تغییرات اقلیم سال‌های متمادی دغدغه دانشمندان و مراکز علمی بوده است، لیکن به تدریج با نمایان شدن علائم و آثار آن بر زندگی مردم سراسر دنیا به یک علاقه مشترک و دستور کار جهانی تبدیل شده است که موجب انجام اقدامات معمول بین‌المللی از قبیل برگزاری کنفرانس، تشکیل نهادها و تنظیم اسناد گردیده است. واقعیت آن است که سرعت تغییرات اقلیم فراتر از انجام این اقدامات بطئی و آرام است. تغییرات اقلیم یک موضوع پیچیده و همه‌جانبه است که از مناظر مختلف زیست محیطی، اقتصادی، فنی و تکنولوژیکی و در نهایت انسانی باید به آن نگریست و نسبت به مسئولیت مشترک ولی متفاوت کشورهای جهان درباره آن تأکید کرد.

اگر چه کشورهای توسعه‌یافته بیشترین مسئولیت در خصوص ایجاد شرایطی که منجر به تغییرات اقلیم گردیده است را برعهده دارند، اما به لحاظ توسعه و برخورداری از امکانات لازم

برای مواجهه با بحران‌های طبیعی، آسیب کمتری می‌بینند. این کشورها تاکنون در سطح ملی خود اقداماتی در این زمینه انجام داده‌اند، ولی در سطح بین‌المللی مسئولیت را آنچنان که باید برعهده نگرفته‌اند. از نشانه‌های این عدم مسئولیت‌پذیری در سطح جهانی، می‌توان به پروتکل کیوتو و کنفرانس کپنهاگ در موضوع حفاظت از محیط زیست بین‌المللی و تغییرات اقلیم اشاره کرد. کنفرانس کپنهاگ سال ۲۰۰۹ بدون یک موافقت‌نامه مؤثر به پایان رسید.^۱

کنفرانس‌های کانکون ۲۰۱۰ مکزیک و ژوهانسبورگ ۲۰۱۱ نیز به نسبت، دستاوردهای بهتری در ارتباط با مواجهه با تغییرات اقلیم داشتند.^۲ موافقت‌نامه‌های کانکون یک مجموعه مشخص از تصمیمات جامعه بین‌المللی تحت کنوانسیون ساختاری سازمان ملل متحد در خصوص تغییرات آب و هوایی (UNFCCC) برای تبیین چالش‌های بلندمدت جمعی و همه‌جانبه و همچنین اتخاذ اعمال مشخص برای سرعت بخشیدن به پاسخ جهانی نسبت به تغییرات اقلیم است. اما در این موافقت‌نامه نیز دسته‌بندی و تعریف مشخصی درباره مهاجران و آوارگان زیست محیطی ارائه نشده است.

کنفرانس دوربان (Durban Climate Change Conference) در سال ۲۰۱۱ فتح‌باب دیگری برای پاسخ جامعه بین‌المللی به تغییرات اقلیم بود. تأسیس صندوق اقلیم سبز، مجموعه‌ای از پیشنهادات برای همکاری و تطابق در مقیاس جهانی از جمله ظرفیت‌های تطابقی برای فقیرترین کشورها و آسیب‌پذیرترین آن‌ها برای تقویت طرح‌های ملی خود برای کاهش آثار آسیب‌پذیری از تغییرات اقلیم از دستاوردهای مهم آن بود. طبق این کنفرانس کشورهای که جزو بیشترین آسیب‌پذیرها هستند حمایت بهتری برای جبران خسارت وارده مربوط به تغییرات اقلیم را دریافت می‌کنند. همچنین در زمینه فناوری، با مرکز و شبکه فن‌آوری اقلیم موافقت شد، سازوکاری که در سال ۲۰۱۲ عملیاتی گردیده و در این زمینه به کشورهای در حال توسعه کمک می‌کند.

اگر چه با تلاش‌های گروه دفاع از جابجایی انسانی در تغییرات آب و هوایی (The Advisory Group on Climate Change and Human Mobility) در جدیدترین کنفرانس بین‌المللی تغییرات اقلیم تحت کنوانسیون ساختاری سازمان ملل متحد درباره

1. <https://www.iom.int>.

2. http://unfccc.int/meetings/cancun_nov_2010/meeting/6266.php.

تغییرات آب و هوایی، بیست و یکمین دوره کنفرانس تغییرات اقلیم (COP21) که در دسامبر ۲۰۱۵ در پاریس برگزار گردید، تعهد به همکاری‌های بین دولی برای ایجاد تسهیلاتی برای جابجایی‌های ناشی از تغییرات آب و هوایی به صورت مهاجرت‌های برنامه‌ریزی شده در کنار تعهدات مهمی از جمله انجام تکالیف دولت‌ها در جهت کاهش گازهای گلخانه‌ای و محدود ماندن افزایش دمای کره زمین برای جلوگیری از گسترش پیامدهای آن درج گردید، اما با اعمال نفوذ کشورهای نظیر استرالیا که بیشترین مسئولیت را در ایجاد این تغییرات دارند از سند نهایی حذف گردید.

همان طوری که ذکر آن رفت، آفریقا با شرایط خاص خود آسیب‌پذیرترین قاره از تغییرات اقلیم است و مردمان آن نیز بیشتر متحمل درد و رنج ناشی از آثار این تغییرات به دلایل ذکر شده در مقاله هستند. رئیس دفتر امور انسان‌دوستانه ملل متحد در کنفرانس کپنهاگ در سال ۲۰۰۸، ۱۰۴ واقعه بلایای طبیعی را گزارش داد که ۹۹٪ آن‌ها مربوط به تغییرات اقلیم است. در آفریقا تعداد مردمی که از این تغییرات آسیب پذیرفته‌اند، در دو دهه اخیر از نه میلیون نفر در سال ۱۹۸۹ به هفده میلیون نفر در سال ۲۰۰۸ رسیده است که اکثریت آن‌ها را زنان و کودکان تشکیل می‌دهند.^۱ ضروری است در یک اقدام همه جانبه باید از آلام بخش عظیمی از افراد که سهمی در بدی روزگار خویش ندارند، کاست. حمایت حقوقی یکی از آن اقدامات است که سؤال مقاله پیرامون آن بود.

از آنچه گذشت می‌توان نتیجه گرفت که در حال حاضر در آفریقا حرکتی فزاینده برای حمایت حقوقی از آسیب‌دیدگان تغییرات اقلیم به ویژه زنان به وجود آمده است که در چارچوب کنوانسیون‌های ذکر شده نمود یافته است. ولی همگان بر این باوریم که حمایت‌های حقوقی نوشته در اسناد تا واقعیت عملی فاصله زیاد دارند. به ویژه در این قاره که فقر گسترده، همواره به عنوان مهم‌ترین عامل نقض حقوق بشر سایه خود را به ویژه در برخی از مناطق دارد، در تشدید آثار و آلام ناشی از تغییرات اقلیم نیز مؤثر است. حمایت عملی مستلزم کوشش‌های همه جانبه توأم با مسئولیت‌پذیری کشورهای بیشتر توسعه‌یافته و تلاش کارگزاران بین‌المللی مرتبط است.

1. <https://www.iom.int>.

یک نکته دیگر که برای نگارندگان نیز هنوز جای بحث و پژوهش بیشتر دارد، امکان اطلاق عنوان پناهنده، آواره و مهاجر اجباری به افراد گریخته از سکونت‌گاه و موطن خود به دلایل زیست محیطی در اسناد بین‌المللی است. به نظر می‌رسد تفاوت در منشاء آسیب و فرار جمعیت بسیار زیاد آوارگان و پناهندگانی که امروزه در نتیجه تغییرات اقلیم محل زندگی خود را ترک می‌کنند، نباید به تبعیض میان این افراد منجر شود؛ زیرا این تفاوت‌ها در اصل انسانی حمایت از اشخاصی که به خاطر ترس و نیاز می‌گریزند تفاوتی ایجاد نمی‌کند، به ویژه درباره زنان که ترس و نیاز به حمایت را مضاعف تجربه می‌کنند.

منابع

الف - فارسی

۱. بیگزاده، ابراهیم؛ مریم افشاری (۱۳۹۰)، «تغییرات آب و هوایی و پناهندگان زیست محیطی در حقوق بین‌الملل»، *فصلنامه تحقیقات حقوقی*، ویژه‌نامه شماره ۶، صص ۱۹۱-۲۱۹.
۲. پورخاقان شاه‌رضایی، زینب (۱۳۹۴)، «بررسی تغییرات آب و هوایی در نظام بین‌المللی حقوق بشر»، *فصلنامه تحقیقات حقوقی آزاد*، دوره ۶، شماره ۲۱، صص ۱۲۷-۱۴۸.
۳. عبدالمهی، محسن (۱۳۸۹)، «تغییرات آب و هوایی: تأملی بر راهبردها و تدابیر حقوقی سازمان ملل متحد»، *فصلنامه حقوق*، دوره ۴۰، شماره ۱، صص ۱۹۳-۲۱۳.
۴. کیهان‌لو، فاطمه (۱۳۹۰)، *پناهندگی نظریه‌ها و رویه‌ها*، تهران: انتشارات جنگل جاودانه.
۵. گزیده اسناد بین‌المللی حقوق بشر (۱۳۸۴)، تهران: مرکز مطالعات حقوق بشر و برنامه عمران ملل متحد.
۶. مصفا، نسرين (۱۳۸۴)، «در جستجوی حمایت بیشتر پروتکل زنان منشور حقوق بشر و مردم آفریقا»، *مجله مطالعات آفریقا*، شماره ۱۲، صص ۴۳-۶۶.

ب - لاتین

7. AU Documents (2009). KAMPALA convention: African Union Convention for the Protection and Assistance of Internally Displaced Persons in Africa, Adopted by the Special Summit of the Union, October 22th, Kampala, Uganda.
8. Costanza, Robert and others (2011). *Migration and Global Environmental Change*, Foresight.
9. IRIN/OCHA (2005). "Broken Bodies, Broken Dreams: Violence against Women Exposed".

10. Kolmannskog, Vikram (2009). "Climate Change, disaster, displacement and migration. Initial evidence from Africa", research paper No: 180.
11. Migration and Environment (2007), 1 November, MC/INF/288.
12. Morissey, James (2009). "Environmental Change and Forced Migration", Refugee Studies Center, London:University of Oxford.
13. Myers, N (2002). "Environmental Refugees: A Growing Phenomenon of the 21st Century", in: Philosophical Transactions, Royal Society Lond. D. Phil. Trans. R. Soc. Lond. B.
14. Nishimura, Lauren (2015). "Climate Change Migrants': Impediments to a Protection Framework and the Need to Incorporate Migration into Climate Change Adaptation Strategies", *International Journal of Refugee Law*, No. 27.
15. Conference of the Parties (COP) (2015), Twenty-first session, 30 November - 11 December, Paris.
16. UNFPA, UN Publications (2006). *Women and International Migration*, State of world population, New York: United Nations Population Fund.
17. UNHCR, UN Documents (1951). "The 1951 Convention Relating to the Status of Refugees", Article 1.
18. UNHCR, UN publication, (2008) *Climate change and forced migration*, Etienne Piguet, Switzerland.
19. UNHCR, UN Publications (2009). "Somalia Refugee Emergency in Kenya", Regional Bureau for Africa UNHCR HQ Geneva, 20th August.
20. UN Doc / S / Res 1261 – 25 Aug 1999
21. UN Doc / S / Res / 1325 – 20 Oct 2000
22. UN Doc/ S / Res 1314 – 11 Aug 2000
23. UN Doc / S / Res / 1379 – 20 Nov 2001
24. UN Doc / S / Res / 1460 – 30 Jan 2003
25. UN Doc / S / Res / 1539 – 22 Ap 2004
26. UN Doc/ S/ Res/ 1612 – 25 July 2005
27. UN Doc / S / Res/ 1882 – 4 Aug 2009

ج- سایت اینترنتی

28. www.unfccc.int, United Nations climate change Conference Cancun cop 16 – cmp 6 – Mexico 12/10/2010
29. www.un.org/en/ecosoc/docs/dec2003.asp, Elimination of Violence against Women; Doc No. 2003/251 – 23 Jul 2003, Also: (E/CN.4/2003/75 and Corr.1 and Add.1-2)
30. www.iom.int/jahia/jahia/copenhagen-and-beyond
31. www.iom.int/difinitionalissues, Date accessed 2014

32. www.iom.int/climate and migration
33. www.independent.co.uk/environment/climatechange
34. www.iisd.ca/cairo.html; 1994, United Nations International Conference on Population and Development (ICPD, Cairo/Egypt)
35. UNIFEM, UN Publications (2007). "Violence against Women-Facts and Figures", available at: <http://www.unifem.org>.
36. UNIFEM, UN Publications (2004). "*Women, Climate change and Refugees*", Australian National committee. available at: www.unifem.org.
37. UN High Commissioner for Refugees (2003) "Sexual and Gender-Based Violence Against Refugees, Returnees and Internally Displaced Persons. Guidelines for Prevention and Response", available at: <http://www.unhcr.org/refworld/docid/3edcd0661.html> [accessed 8 January 2011].
38. IDMC (2015). "International Disaster Monitoring Center", Global Estimates 2015, People displaced by disasters. available at: <http://www.internal-displacement.org>.
39. <http://www.un.org/womenwatch/daw/beijing/platform/index.html>; Fourth World Conference on Women, Beijing 1995.
40. <http://unfccc.int>, United Nations climate change Conference Paris COP 21.
41. "The Kampala Convention two years on: time to turn theory to practice" (2014), available at: www.internal-displacement.org.